

## مطالعه و تحلیل اندیشه‌های تربیتی میشل فوکو با تاکید بر هدف، روش و محتوی

### The Study and Analysis of Michel Foucault's Educational Thoughts emphasizing on purpose, method and content

**Parvaneh Mehrjoo**

Instructor and faculty member of Educational Sciences, Payame Noor University, Hassanabad Branch, Tehran, Iran  
[p\\_mehrjoo@yahoo.com](mailto:p_mehrjoo@yahoo.com)

**پروانه مهرجو**

مری و عضو هیات علمی رشته علوم تربیتی دانشگاه پیام نور واحد حسن آباد، تهران، ایران

#### Abstract

This study aims to analyze the educational ideas of postmodernism philosopher Michel Foucault. The research method in this study was descriptive-analytical and the statistical population has been all the books, works, and articles in Michel Foucault's thinking. The sample has been purposely targeted, all texts available. Documentation method and fisheries research tool were used for data collection. The method of data analysis was descriptive-analytical. The findings of the study in terms of purpose, method and content are as follows Michel Foucault describes the purpose of education as liberating power and self-creation. On the other hand, he believes in the active and dynamic teaching and training of critical students; And as for the content dimension, the results showed that the content had to be chosen according to the situations. And the management of this program recommends it patiently and easily.

**Key words:** Michel Foucault, Educational Thoughts, Postmodernism, Purpose, Content Method

#### چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل اندیشه‌های تربیتی میشل فوکو فیلسوف پست مدرنیسم انجام شده است. روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی، تحلیلی بوده و جامعه آماری کلیه کتاب‌ها، آثار و مقالات موجود در حوزه تفکر میشل فوکو بوده است. نمونه آن به صورت کاملاً هدفمند، کلیه متون در دسترس بوده است. برای جمع آوری اطلاعات از روش اسنادی و ابزار پژوهش فیش برداری استفاده شد. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، توصیفی تحلیلی بوده است. یافته‌های پژوهش در بعد هدف، روش و محتوی به ترتیب عبارتند از اینکه میشل فوکو هدف آموزش و پرورش را آزادسازی قدرت و خود آفرینی معرفی می‌کند. در بعد روش، به روش تدریس فعال و پویا و تربیت دانش‌آموزان نقاد معتقد است؛ و نیز در خصوص بعد محتوی، نتایج نشان داد محتوی باید با توجه به موقعیت‌ها انتخاب شود. و مدیریت این برنامه را صبورانه و تساهلی پیشنهاد می‌کند.

**واژه‌های کلیدی:** میشل فوکو، اندیشه‌های تربیتی، پست مدرنیسم، هدف، روش و محتوی.

ویرایش نهایی: فروردین ۹۹

پذیرش: بهمن ۹۸

دریافت: مرداد ۹۸

نوع مقاله: تحلیلی

#### مقدمه

همه شواهد موجود نشان‌دهنده رشد مفاهیم پست‌مدرن در بسیاری از حوزه‌های اندیشه و قلمروهای زندگی بشری است. بنابر این بدون هیچ‌گونه تعصبی پست‌مدرنیسم پایان نظم تقریباً قدیمی را اعلام می‌کند. و چون انقلابی فرهنگی، آرام‌آرام ضمن نقد مدرنیسم جزئیات حیات جمعی ما را دربر می‌گیرد (آهنچیان، ۱۳۸۲، ص ۲۸). پست‌مدرنیسم طی سالهای سه دهه آخر قرن بیستم شکل گرفت و گسترش یافت. اگرچه بسیاری از نظریه پردازان و شارحان پست‌مدرنیسم شکل‌گیری آن را به دهه آخر قرن ۱۹ و دهه نخست قرن بیستم نسبت می‌دهند (نوذری، ۱۳۸۹، ص ۴۱۸). بازتاب ظهور این جریان را می‌توان قبل از هر حوزه دیگری در عرصه هنر به طور اعم و در معماری به طور اخص مشاهده نمود، که خیلی سریع به سایر حوزه‌های علمی رسوخ و نفوذ کرد. به طوری که امروزه اصطلاحاتی چون پست مدرنیسم و فرهنگ، پست مدرنیسم و ادبیات، پست مدرنیسم و فلسفه، پست مدرنیسم و آموزش و پرورش و... فراوان به کار می‌رود. در عرصه تعلیم و تربیت نظریه پردازان پست مدرنیسم برآنند که بحران‌های اخیر در حوضه تعلیم و تربیت را با دیدگاه‌های خود مورد بحث و بررسی قرار داده و برای آنها راه حل ارائه دهند. آگاهی از دیدگاه‌ها و فلسفه‌های تربیتی گوناگون می‌تواند به عاملان و کارگزاران تربیتی در زمینه سیاست‌گذاری ها- تصمیم‌گیری ها- بینش و قدرت انتخاب و آزادی عمل دهد تا بتواند براساس آموزه‌های دینی، فرهنگی و ملی از نکات مثبت دیدگاه‌ها بهره‌جسته و از نکات منفی اجتناب نمایند. پست‌مدرنیسم نظام آموزشی کنونی را عامل انتقال فرهنگ مسلط یعنی فرهنگ ممتاز یا فرهنگ نخبگی می‌داند. درحالی که تعلیم و تربیت مطلوب‌تر از نظر آنها آن است که در آن فرهنگ‌های دیگر نیز آموخته شود و اصطلاحاتی چون آموزش و پرورش آراء گوناگون یا آموزش و پرورش مرزی را بکار برده و چون دسترسی به حقیقت را

## The Study and Analysis of Michel Foucault's Educational Thoughts emphasizing on purpose, method and ...

ناممکن می‌دانند، به برنامه‌های آموزشی و روشهای آموزشی کنونی هم انتقاد دارند. به‌همین دلیل ارائه تصویری دقیق، قطعی و روشن از تعلیم و تربیت پست‌مدرن نیز کار دشواری است. ویژگی‌های دنیای پست مدرن بی‌نظمی، ابهام، تردید و اختلاف است. پست‌مدرنیسم به تدوین مبانی و اصولی برای آموزش و پرورش برنمی‌تابد. و طبیعی است که نمی‌توان ساختار دقیقی را از عناصر اصلی برنامه آموزشی پیشنهاد کند. در این نوشتار پژوهشگر سعی نموده است ضمن معرفی اجمالی یکی از برجسته‌ترین متفکران پست‌مدرنیسم یعنی میشل فوکو<sup>۱</sup> به مطالعه و تحلیل دیدگاههای تربیتی و ابعاد آن بپردازد. میشل فوکو جامعه‌شناس و فیلسوف فرانسوی در پانزدهم اکتبر ۱۳۲۶ در شهر پواتیه دیده به جهان گشود. در سال ۱۹۴۸ به دلیل افسردگی سعی کرد با قرص خودکشی کند. در سال ۱۹۵۰ به حزب کمونیست فرانسه پیوست ولی خیلی زود از آن فاصله گرفت. در سال ۱۹۵۱ به دلایل سیاسی و بیزاری از ارتش خود را به تمارض زد تا از خدمت وظیفه معاف شود. در سال ۱۹۵۲ دانشنامه عالی خود را در رشته روانشناسی و فلسفه دریافت کرد. در سال ۱۹۵۵ از او دعوت شد تا به دانشکده مطالعات رومی در سوئد بپیوندد (قادری، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۷). فوکو در دوم ژوئن ۱۹۸۳ دچار تب شدید و عفونت مغزی به دلیل اچ‌آی‌وی شد، و بعد از ظهر همان روز در سن پنجاه و هفت سالگی درگذشت. او در عمر کوتاهش نماد نسلی از روشنفکری بود. یورگن هابرماس<sup>۲</sup> گفته است: "در حلقه فلاسفه نسل من فوکو ماندگارترین تاثیر را بر روح زمان گذاشته است". فهم اندیشه‌های فوکو مستلزم مطالعه آثار اوست. اولین کتاب او تاریخ دیوانگی در عصر کلاسیک در سال ۱۹۶۱ نگارش شد. پس از آن کتاب زایش درمانگاه، دیرینه‌شناسی ادراک پزشکی در سال ۱۹۶۳ را منتشر کرد. در این کتاب فوکو با کاربرد کلمه دیرینه‌شناسی در پی آن بود تا روش پژوهش را از روش معمول و متعارف تاریخی جدا کند، فوکو در این کتاب به زبان پزشکی اشاره می‌کند. از دیدگاه فوکو پزشکی نخستین گفتمان علمی درباره فرد است که در تشکیل علوم انسانی هم نقش مهمی داشته است. کتاب دیگرش واژه‌ها و چیزها: دیرینه‌شناسی علوم انسانی که ترجمه انگلیسی آن به عنوان نظم اشیاء نام گرفته است. در این کتاب فوکو به تحلیل گفتمان و روابط گفتمانی می‌پردازد. و در کتابش اشکال دانش در سه دوره تاریخی رنسانس (نوزایی)، کلاسیک و مدرن با هم مقایسه می‌شوند. در هریک از این سه دوران صورتبندی خاصی از نظام دانایی یا "اپیستمه" وجود دارد. اپیستمه مجموعه روابطی است که در یک سطح تاریخی میان قواعد گفتمانی وجود دارد (دریفوس<sup>۳</sup> و پل<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷). پس از آن اولین کتابی که به‌روش تبارشناسی نوشته است، کتاب مراقبت و تنبیه است. که در زبان انگلیسی به انضباط و تنبیه ترجمه شده است. فوکو در این کتاب به سیر بازداشت و مجازات در تاریخ معاصر غرب می‌پردازد. یک سال پس از آن فوکو جلد اول کتاب تاریخ جنسیت را منتشر کرد. این کتاب (مراقبت و تنبیه و تاریخ جنسیت) در بحث از موضوع قدرت به هم مرتبط بودند. با توجه به خلاصه‌ای از آثار فوکو می‌توان به این نتیجه رسید که معادله میان عقل-اراده و ترقی و پیشرفت که از شعارهای مهم مدرنیته است، مارا از درک روابط قدرت بازداشته است. او در یک سلسله تحقیقات تاریخی-فلسفی خاص در قلمرو روانپزشکی و پزشکی، جرم‌شناسی و جنسیت، سعی کرده است پیش فرض‌های مدرنیته را به چالش گیرد و شکل‌های جدید معرفت عقل و نهادهای اجتماعی را مورد باز پرس قرار دهد واز درون آنها مناسبات قدرت را کشف کند. آبخورهای فکری فوکو بسیار متنوع بوده است، اما با وجود این می‌توان جغرافیای ذهنی او را متصور شد. جو غالب تفکر فرانسوی در طول دوران تحصیل فوکو تحت تاثیر پدیدارشناسی و پیشگام آن ادمندهوسرل<sup>۵</sup> بود که طبعاً همراه خود، دکارت<sup>۶</sup>، کانت<sup>۷</sup> و هگل<sup>۸</sup> را مطرح می‌کرد (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۸۳، ص. ۸۴). در بحث خاستگاههای نظری تحت تاثیر افرادی چون فروید<sup>۹</sup>، نیچه<sup>۱۰</sup>، هایدگر<sup>۱۱</sup> و مکاتبی چون ساختارگرایی<sup>۱۲</sup>، هرمنوتیک، مدرنیسم و پست مدرن قرار گرفته است. از ساختارگرایی بحث دال و مدلول (علت و معلول) از هرمنوتیک بحث تاویل متن و از مدرنیسم بحث عقلانیت و شیوه‌های تحقیق دیرینه‌شناسی را کسب کرده است. و از پست مدرنیسم صرف‌نظر از جدیت سنتی، توجه به تاریخ، توجه به خوانندگی به‌عنوان فعالیتی پویا و خلاق گرفته است (زارعی، ۱۳۸۹، ص. ۲۳). فوکو در عین تاثیرپذیری کوتاه مدت از هر یک از حلقه‌ها و نگرش‌ها تحت تاثیر شدید هیچ یک از آنها قرار

- 1 - Michel Foucault
- 2 - Jurgen Habermas
- 3 - Dryfus
- 4- Paul
- 5 -Edmund Husserl
- 6 - Descartes
- 7 - Kant
- 8 - Hegel
- 9 -Sigmund Freud
- 10 -Niche
- 11 -Heidegger
- 12 -Structuralism

نگرفت. و بعدها پدیدارشناسی، اگزستانسیالیسیسم، هم مارکسیسم و هم فرویدیسم را مورد نقدهای شدید قرار داد. خود فوکو هیچ گاه به جز از نیچه و نگرش تبارشناسانه او و در پاره‌ای موارد از هایدگر از چهره یا نگرش تاثیر گذار دیگر در اندیشه خود سخن نمی‌گوید. در بررسی آثار فوکو و در بحث از اندیشه های فوکو از دو فوکو می‌توان سخن گفت: فوکو نخستین و فوکو واپسین، آثار واپسین فوکو بسیار بیانگر ارزیابی جدید او از کار خود و تغییر چشم‌گیر در جهت‌گیری فکری او بود. (این امر در برخی فیلسوفان دیگر مثل ویتگنشتاین نیز دیده می‌شود). از ویژگیهای اصلی اندیشیدن او همین بوده که همواره خود را مورد ارزیابی و تجدید نظر قرار می‌داد. به‌همین دلیل در دوران های مختلف زندگی برداشت‌های گوناگون و گاه متناقض از کار خود ارائه داده است. اهمیت افکار فوکو در ارتباط با تعلیم و تربیت آن است که وی برای مطالعه حوزه تعلیم و تربیت به‌عنوان بخش نخواست‌های از علوم انسانی، ابزاری نظری و روش شناختی فراهم می‌کند. که بر روابط بین دانش - قدرت و شرایطی که تحت آن سوژه‌ها به‌صورت ابژه‌های دانش درمی‌آیند، تاکید می‌کند. اصحاب تعلیم و تربیت هنوز در آغاز راه کشف ارتباط افکار فوکو و توان بالقوه آن در حوزه خویش هستند (پالمر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴، ص. ۳۱۹). متافیزیک فوکو با فلسفه تجربه‌گرایانه و فلسفه من‌گرایانه مخالفت می‌کند و هر دو را دو روی یک سکه می‌داند. از دیدگاه او جهان‌بینی سنتی و مدرن، در نهایت نماینده دو نظام مختلف قدرت‌اند و مهمترین تفاوت آنها این است که سلطه در نظام مدرن بسی قوی‌تر و ریشه‌دارتر و به دلیل ظاهر فریبنده‌اش بس موثرتر از سلطه در نظام سنتی است. او بیشتر از آن که به فکر ارائه یک جهان‌بینی جدید و خاص باشد در صدد بررسی تفاوت‌ها در جهان‌بینی‌های حاکم در دوره‌های مختلف تاریخی بوده است. فوکو در آثار متأخرش نوع خاصی از تاریخ را جانشین هستی‌شناسی می‌سازد که بر کردارهای فرهنگی قوام بخش ماهیت وجود انسان تمرکز می‌کند (دریفوس و پل، ۱۹۹۷). واقعیت به نظر فوکو امری عینی نیست ما واقعیت را مطابق با نیازها و علایق و سنت‌های فرهنگی شکل می‌دهیم. فوکو علاقه‌ای به واقعیت همگانی و هر چند ماورای جهان طبیعی نداشت. فوکو سه گسست معرفت‌شناختی را در بالندگی اندیشه انسانی معرفی می‌کند (جدول ۱). و براین اساس از سه دوره نوزایی، کلاسیک و مدرن در معرفت‌شناسی نام می‌برد.

جدول ۱- دوره‌های معرفت‌شناسی از دیدگاه فوکو

دوره‌ها	قالب شناختی
نوزایی (رنسانس)	تشابه- همدلی- هم‌حسی
عصر کلاسیک	بازنمایی
عصر مدرن	مفهوم سوژه

فوکو به کمک روش دیرینه‌شناسی خود این سه عرصه را به‌شيوه خاصی تحلیل می‌کند. بخش اعظم تحقیق او مربوط به تبیین مختصات دوره کلاسیک است. به‌نظر فوکو در عصر کلاسیک سه حوزه پژوهش پدیدار شد که پیوند نزدیک با مفهوم انسانی داشت ۱- حوزه زندگی (پژوهشی در زندگی انسان) ۲- حوزه قدرت (توجه به عرصه‌های اجتماعی حیات انسان) ۳- حوزه زبان (بررسی اندیشه انسان در چهارچوب آن). در اواخر قرن هیجدهم بین سه حوزه گسست معرفت‌شناسانه ایجاد رشد و سه رشته تخصصی از دل آن بیرون آمد یعنی زیست‌شناسی، اقتصاد، زبان‌شناسی (فرم‌بینی فراهانی، ۱۳۸۳، ص. ۸۸ و ۸۹). تعداد زیادی از نوشته‌های آموزشی در دهه ۱۹۸۰ و ابتدای دهه ۱۹۹۰ اندیشه‌های فوکو را در آموزش به‌کار گرفته‌اند. به‌طور مشخص نوشته‌های جیمز مارشال در این خصوص فراوان و پر بار است. مارشال اندیشه‌های فوکو را با دقت و ظرافت در آموزش بکار گرفته است. در مرور کارهای انجام شده در این دهه به نوشته‌های این دانشمندان اشاره می‌کند؛ جان ویلیام<sup>۲</sup> ۱۹۷۹، هاسکین<sup>۳</sup> ۱۹۷۹، هزیک<sup>۴</sup>، هال وی<sup>۵</sup>، اوروین<sup>۶</sup>، ون<sup>۷</sup>، والکر دین<sup>۸</sup> ۱۹۸۴، مارشال<sup>۹</sup> ۱۹۸۹. از سال ۱۹۹۳ نفوذ فوکو و سایر ساختارگرایان بر آموزش در حال رشد بود. پاستون و لیمن<sup>۱۰</sup> ضمن ارائه نقش قدرت در کنترل طبقات اجتماعی

- 1 - Palmer
- 2 - John Williams
- 3 - Haskin
- 4 - Hezick
- 5 - Halevy
- 6 - Avrovin
- 7 - Van
- 8 - Valocordin
- 9- Marshall
- 10 - Paston & Leibman

## The Study and Analysis of Michel Foucault's Educational Thoughts emphasizing on purpose, method and ...

نقش فناوریهای انضباطی را در شکل‌گیری شخصیت مطرح می‌سازند. کری<sup>۱</sup> با نقش مثبت قدرت، فناوریهای انضباطی را به‌لحاظ تأمین ضمانت اجرایی نظم و کنترل دانشگاهها و اعضای آن بکار می‌گیرد. و نیز نقش قدرت در شکل‌گیری حقیقت از طریق فناوری انضباطی محققان را متوجه تشکیل اهداف آموزشی نموده است. دیدگاههای فوکو اخیرا در نقد نظام اندازه‌گیری و تست‌ها در روانشناسی تربیتی مورد استفاده قرار گرفته است و انجام این تست‌ها را نوعی کنترل نامناسب بر روند یادگیری می‌داند. مارشال<sup>۲</sup> از اندیشه‌های فوکو برای بحث در زمینه لیبرالیسم و روشنگری و اومانیزم استفاده کرده و به این ترتیب مخالف دیدگاهی است که معتقد است آموزش پیشرفت گروهی و خود رهبری را تضمین می‌کند. از همین منظر او دستیابی به استقلال به‌عنوان هدف آموزشی را نقد کرده و خود آفرینی را به‌عنوان هدف مطرح می‌سازد. در بخش تحقیقات داخلی شمار کتاب‌های تالیفی و مقالاتی که به زبان فارسی باشد، متعدد و فراوانند و عده‌ای فقط به بیوگرافی و معرفی فوکو و شرح آثارش پرداخته و تقریبا صورت تکراری دارد. البته این امر سبب سطحی باقی ماندن مطالب و بیان نشدن به شیوه عمقی است. که پیچیدگی اندیشه فوکو نیز این مشکل را مضاعف می‌کند. از میان مقالات درباره فوکو یک عنوان به‌نام بررسی نقش معلمان و نهاد آموزش و پرورش در گفتگوی تمدن‌ها به طرح مطالب از ناحیه آموزش پرداخته است و این رساله توسط رسول نیمروزی تالیف شده که بحث اخلاق و مسئولیت فردی را از نظر فوکو در قالبی متافیزیکی مطرح می‌کند و اندیشه‌های فوکو را در بحث اخلاق و ارزش‌ها به تحلیل کشیده است. در پژوهش افشار<sup>۱۳۷۹</sup> به مقایسه آموزه‌های تربیت اخلاقی از منظر پست مدرنیسم و تربیت اخلاقی-دینی پرداخته است. در پایان نامه‌ای با عنوان نقد و بررسی نگرش‌های فلسفی پست مدرنیسم با تاکید بر آموزش‌های فوکو و دریدا، فرم‌هینی فراهانی<sup>۱۳۸۲</sup> که در دوره دکتری دانشگاه تهران انجام شده است، مبنای اندیشه فوکو و استنتاجات کلی آن در حوزه اهداف و محتوا برنامه درسی-مدرسه-انضباط و تنبیه به شیوه بسیار اجمالی مورد بررسی قرار گرفته است. در پژوهش علی‌آبادی<sup>۱۳۸۵</sup> به تبیین نظریه اخلاقی در فلسفه مدرن (کانت) و پست مدرن (فوکو) و نقد طبیعی و دلالت‌های آن در تربیت اخلاقی پرداخته است. دژگاهی و ضیمران<sup>۱۳۸۵</sup> در مقاله‌ای به بررسی اهداف آموزشی از دیدگاه میشل فوکو پرداخته‌اند. دژگاهی<sup>۱۳۸۶</sup> رساله دکتری خود را با عنوان کاربرد تحلیل گفتمان در مورد اهداف نظام آموزشی ایران با تکیه بر مناسبات قدرت و دانش در اندیشه میشل فوکو انجام داده است. حسینی<sup>۱۳۸۷</sup> در پایان‌نامه خود به تبیین دیدگاه‌های انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی فوکو و نقد دلالت‌های آن برای حدود و وظایف و اختیارات کنشگران آموزش و پرورش رسمی (دولت، مدیر، معلم) در دانشگاه تربیت مدرس پرداخته است. زارعی<sup>۱۳۸۹</sup> در پایان‌نامه خود به بررسی دیدگاه‌های تربیتی میشل فوکو پرداخته است. عالی<sup>۱۳۹۰</sup> در پایان‌نامه دکتری خود به موضوع تبارشناسی انضباط در مدرسه (مبتنی بر مناسبات قدرت، دانش در دیدگاه فوکو) پرداخته است. کلانترهرمزی<sup>۱۳۹۰</sup> در رساله دکتری خود با عنوان سیر تکوینی مفهوم خود از دیدگاه حکمت مقایسه و دیدگاه‌های روانشناختی پست مدرن و شیوه تبیین آسیب‌شناسی روانی انسان مبتنی بر آن، به بحث تربیت اخلاقی مورد نظر فوکو به عنوان فیلسوف برجسته پست مدرنیته پرداخته است. همچنین روح‌اللهی اوچاکی<sup>۱۳۹۲</sup> به بررسی آراء فلسفی میشل فوکو و دلالت‌های تربیتی آن از جنبه اجتماعی آن پرداخته است. در بررسی اجمالی پژوهش‌های انجام یافته می‌توان ادعان کرد در ایران زمینه مورد علاقه اکثر پژوهشگران این حوزه بحث تربیت اخلاقی فوکو و مباحث سیاسی و قدرت بوده است. در همین راستا پژوهشگر برآن است که حوزه‌های مغفول در اندیشه تربیتی فوکو را واکاوی کند. در این‌میان جای خالی پژوهش در حوزه‌های هدف، روش و محتوی تربیت کاملا محسوس است. البته پژوهش‌هایی سطحی در خصوص ابعاد تعلیم و تربیت به‌صورت پراکنده انجام گرفته است. محقق در صدد آن است که دیدگاه‌های تربیتی فیلسوف پست مدرن حاضر (فوکو) را در خصوص اهداف، روش، محتوا به گونه منسجم و با عنایت ویژه به نگرش‌های پست مدرنیسم واکاوی کند. بنابراین سوال اصلی پژوهش آن است که دیدگاه‌های تربیتی فوکو به تفکیک در زمینه (اهداف-روش-محتوا) چیست؟ بنابراین هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی دیدگاه‌های تربیتی میشل فوکو می‌باشد و اهداف فرعی شامل: ۱- بررسی دیدگاه‌های تربیتی میشل فوکو در زمینه اهداف ۲- بررسی دیدگاه‌های تربیتی میشل فوکو در زمینه روش ۳- بررسی دیدگاه‌های تربیتی میشل فوکو در زمینه محتوا. ضمنا نتایج پژوهش حاضر در جهت تکوین و تغییر سیاست‌گذاری‌ها و تعیین اهداف، محتوا و روش‌های تربیتی فعلی با در نظر گرفتن شاخص‌های فرهنگی در مدارس و نظام آموزشی مورد استفاده و مذاقه قرار می‌گیرد.

روش

1 - Carry

2 - Marshall

روش پژوهش از نوع توصیفی- تحلیلی است که در آن هم توصیف و هم استنباط ایفای نقش می‌کند. پژوهشی توصیفی در معنای اخص هدف محقق از انجام این نوع پژوهش، توصیف عینی واقعی و منظم خصوصیات یک موقعیت یا یک موضوع است (نادری و نراقی، ۱۳۹۲، ص. ۴۴). تحقیقات توصیفی از نظر شیوه نگرش به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) تحقیقات توصیفی محض: محقق صرفاً به کشف و تصویر سازی ماهیت و وضعیت موجود مساله می‌پردازد.

ب) تحقیقات توصیفی-تحلیلی: محقق علاوه بر تصویر سازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونگی بودن و چرایی وضعیت مساله می‌پردازد. جامعه تحلیل، کلیه منابعی است که فوکو از خود به‌جا گذاشته است. یعنی کلیه کتاب‌ها و آثار فوکو به عنوان منابع دست اول و مقالات و منابعی که دیگران درباره اندیشه فوکو به رشته تحریر درآورده‌اند می‌باشد (منابع دسته دوم). ابزار تحقیق فیش برداری است و روش تحقیق توصیفی- تحلیلی می‌باشد. نمونه تحلیلی آن بخش‌هایی از کتاب یا مقالات و منابع دست اول و دوم است که به صورت هدفمند انتخاب گردید و به‌طور همزمان اطلاعات مربوط به هریک از سوالات پژوهش انتخاب، دسته بندی و طبقه بندی می‌شوند.

### یافته ها

پژوهش حاضر با هدف بررسی دیدگاه‌های تربیتی پست مدرنیسم با تاکید بر اندیشه‌های میشل فوکو برای پاسخ به سه سوال صورت گرفت که به ترتیب سوالات عبارتند از: ۱- دیدگاه تربیتی فوکو درباره اهداف آموزشی چیست؟ ۲- دیدگاه تربیتی فوکو درباره روش تدریس چیست؟ ۳- دیدگاه تربیتی فوکو درباره محتوای آموزشی چیست؟

### دیدگاه تربیتی فوکو درباره اهداف آموزشی

از دیدگاه مریبان پست‌مدرن از جمله فوکو امکان برنامه ریزی فراگیر و نظام یافته برای تربیت انسانها وجود ندارد لذا نمی‌توان هدف یا اهداف خاص و ثابتی را برای تعلیم و تربیت تصور کرد. به‌عبارت دیگر پست‌مدرنیسم به‌دلیل توقف در اکنون تصویری از انسان دلخواه خود در غالب اهداف تربیتی ارائه نمی‌دهد. لذا می‌توان از مجموعه مباحثی که فوکو مطرح کرده است اهداف خاصی را استخراج نمود. یکی از مهمترین این اهداف خود آفرینی است (فرمپینی فراهانی، ۱۳۸۳، ص. ۱۸۳). فوکو یکی دیگر از اموری که در بحث خود آفرینی به‌آن می‌پردازد، رشد تفکر انتقادی است (دژگاهی، ۱۳۸۶، ص. ۵۸). فوکو زمانی که پرورش روح جمعی را در بحث نفی استقلال به عنوان هدف آموزشی به‌کار می‌گیرد، متوجه درک پیش داوری‌هایی است که در واقع بازتاب شرایط زمانی به اندیشه ماست. به‌همین دلیل او استقلال را به شیوه‌ای به‌کار می‌گیرد که به‌افزایش مسئولیت شخصی در بهبود امور بیانجامد. در چنین فضایی افراد در مناسبات جمعی از یکدیگر می‌آموزند و توانایی‌های خود را گسترش می‌دهند. پس آزادی در این رابطه زمینه‌ساز است و امکان تشکیل هویت ما را فراهم می‌کند. و این امکان آزادی- ژرف نگرى امور و اخلاقی عمل کردن را فراهم می‌کند و در این امتداد خود آفرینی شکل می‌گیرد. که فوکو بر اساس مفهوم مراقبت از خود آن را بیان می‌کند (دژگاهی، ۱۳۸۶، ص. ۶۴). گریسون<sup>۱</sup> در نگاه فوکو به خود آفرینی، جامعه و دیگری را در درجه دوم اهمیت می‌بیند. درحالی که مطابق با نظر دیویی خود آفرینی برای ایجاد جامعه بهتر و ارتباط بهتر با دیگران (خودآفرینی اجتماعی) است. هم دیویی و هم فوکو نقدهای مشابهی از سنت را مطرح کرده‌اند اختلاف اصلی آنها در این است که دیویی به‌منظور همبستگی و وحدت در جامعه دموکراتیک بیشتر بر امکانات اخلاقی تاکید دارد و فوکو روی رابطه قدرت تاکید می‌کند. ما آزاد هستیم که خود و اهداف تعلیم و تربیت را از نو دریافت و تعریف کنیم. به‌نظر فوکو استانداردهای عینی، حقیقت و عدالت چیزی بیش از رسوم پراکنده نیست که به وسیله نیروهای غالب در جامعه معرفی می‌شوند (فرمپینی فراهانی، ۱۳۸۳، ص. ۱۸۴). به‌عبارت دیگر فوکو به‌عنوان فیلسوف پست مدرن معتقد است فرد به عنوان سوژه مستقل اخلاقی موجودیت ندارد و متأثر از گفتمان است که ساختارهای اجتماعی و زبانی دارد. فوکو سوژه مدرنیته را زیر سوال برد و آنها را وابسته به زمینه اجتماعی تاریخی دانست. بنابر این سوژه متفکر و مستقل را حذف کرد و جهان شمولی و مطلق باوری را به نسبت گرایشی کاهش داد (نوذری، ۱۳۸۹، ص. ۵۱۴). تربیت مورد نظر فوکو تربیت محلی، خاص و متفاوت است و فاقد بنیادهای ثابت و جهانی است (کلانتر هرمزی، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۲). مولر<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) آن‌گونه برنامه درسی را ترغیب می‌کند که خودساماندهی دانش‌آموزان را هدف قرار می‌دهد. فوکو با مطالعه متون یونان و روم باستان دریافت تشکیل و تعریف خود در آن زمان روندی کاملاً متفاوت از امروز را می‌پیمود. در یونان باستان مفهوم "خودت را بشناس" تابع مراقبت از خود بود. در مجموع متون از اولین دیالوگ

1 - Grayson

2 - Muller

## The Study and Analysis of Michel Foucault's Educational Thoughts emphasizing on purpose, method and ...

های افلاطون تا متون اصلی رواقیون، مارکوس، اورلیوس و ... به وضوح مشاهده می‌کنیم که مراقبت از خود در همه اندیشه‌ها جریان دارد. این مستلزم آن بود که از یک غرق شدن در امیال بر حذر باشیم و برده دیگران نیز نباشیم. اپیکوریان برای نخستین بار مراقبت از خویش را غایت اصلی حیات شمردند و آن را از موضوع جامعه جدا ساختند (دژگاهی و ضیمران، ۱۳۸۵، ص. ۱۷۴). در آلکیادس افلاطون هم آمده است، پیش از آنکه اداره جامعه اهمیت یابد مراقبت از خویشتن موضوعیت دارد. پس مراقبت از خود مفهوم بسیار عمیقی است که هم نوعی کار و فعالیت است و هم توجه به دانش و فناوری است (فوکو، ۱۹۸۴) در نوشته‌های فوکو دغدغه اساسی شکل‌گیری شخصیت انسان بود و اشاره می‌کند که دو نوع فناوری وجود دارد که شکل‌گیری ماهیت خود را تحت تاثیر قرار می‌دهد یکی فناوری‌های سلطه و دیگری فناوری‌های خود. فناوری‌های سلطه با تحت سلطه قرار دادن آدمی از طریق کاربرد قدرت به منظور دستیابی به اهداف مشخص سروکار دارد. به نحوی که محصول این روند تربیت افرادی مطیع و مفید است که به خوبی نقش‌های عملی خود را در زندگی ایفا نمایند. فناوری‌های خود که بر تعریف انسان از خود می‌باشد که در دوران مدرن بر اساس آزمون و اعتراف بنا شده است. با روند اقرار و اعتراف شخص هم خودش را می‌شناسد و هم خود را به دیگران می‌شناساند. این بخشی از رویه‌ای است که فوکو علوم انسانی نامید و معتقد است این رویه در علمی چون پزشکی-روان‌درمانی-روانشناسی و قانون و آموزش نفوذ کرده است (دژگاهی، ۱۳۸۶، ص. ۶۵). فریره<sup>۲</sup> و گرامشی<sup>۳</sup> دیدگاه‌های انتقادی به آموزش و پرورش داشتند و روش‌های تدریس بحث و گفتگو دیالکتیک را بر اساس نیازهای دانش‌آموزان می‌پذیرفتند تا تفکر واگرا را پرورش دهند. فوکو هم با آنان موافق بود. بنابر این هدف تعلیم و تربیت، پرورش دانش‌آموزانی است که به معرفت‌های محدود باور دارند و دارای سیالیت ذهنی هستند. بنابراین اهداف از نظر فوکو عبارتند از پرورش انسان‌های تاویل‌گر، فعال و پویا، پرورش انسان‌های خلاق، دارای تفکر واگرا و پژوهشگر و پرورش انسان‌های مسئول و منعطف (زارعی، ۱۳۸۹، ص. ۸۱). هدف تربیتی از نظر فوکو تربیت انتقادی است. در تربیت انتقادی مبتنی بر پست‌مدرنیسم هدف تقویت فردی و اجتماعی دانش‌آموزان است تا بتواند تغییرات اجتماعی و سیاسی را پدید آورد (بهشتی، ۱۳۸۴، ص. ۹۴). پس عنصر اصلی در تربیت مورد نظر فوکو آگاهی بخشی است. وظیفه اخلاقی معلم این است که شاگردان را به سطحی از آگاهی برساند که او دائم به نقد اجتماعی و فرهنگی خویش بپردازد و هیچ‌گاه به وضع موجود بسنده نکند و شاگرد بکوشد در قدرت انضباطی مدرسه فرمانبردار نباشد یا نسبت به سیاست تکنولوژیکی مدرسه مقاومت کند (علی آبادی، ۱۳۸۵، ص. ۲۲۱). به طور کلی اهداف تعلیم و تربیت در مکتب پست‌مدرنیسم: تربیت شهروندان انتقادی، برقراری دموکراسی رادیکال، گفتمان‌سازنده دانش، بررسی تفاوت‌ها و نظام تفاوت‌ها، توجه به فرهنگ عمومی و مطالعات خودآفرینی (خودآفریندگی)، علمی بودن دانش (شاگرد به عنوان تولیدکننده و مصرف‌کننده دانش فرهنگی به شمار می‌آید نه فقط داننده آن) (فرمینی فرانه‌ای، ۱۳۸۳، ص. ۱۳۷).

## دیدگاه تربیتی فوکو درباره روش تدریس

در پاسخ به سوال دوم که دیدگاه‌های تربیتی میشل فوکو در زمینه روش تدریس چیست؟ فوکو معتقد به روش‌های تدریس مثل تبارشناسی-انتقادی-مشاهده-استقرایی و قیاسی و... با مراجعه به مباحث اخلاق روشنفکری و روشنفکر و طبیعت، بلوغ مشتمل بر مسئولیت‌پذیری انسان و... کاربرست عقلانیت انتقادی خویش است. باید از شاگردان پرس‌وجو شود و بر اساس نیازها و سلیق آنها نظم و مقررات ایجاد شود و این باعث التزام به اجرای نظم نیز خواهد شد. با توجه به اهمیتی که فوکو به روش تاویل در متن از متن به ماورای آن می‌دهد و تفسیر آن و رفتن به ژرفای متن را توجیه می‌کند و عکس متن به گفتمان و توانایی منتقد بستگی دارد. پس روش تدریس باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان به توانایی تجزیه و تحلیل متون رسیده باشند و افرادی منتقد و توانا و خلاق باشند. روش تدریس باید به گونه‌ای باشد که تمام ابعاد معنای متن را از تمام جنبه‌ها مورد دقت قرار دهد و فردی با دید باز و تفکر واگرا بسازد. روش تدریس باید به گونه‌ای باشد که شاگردان را وادار نماید با دقت در سخن گفتن و رفتار و کردار به اندیشه دیگران پی‌ببرد. فوکو می‌گوید مولف را باید از متن جدا کرد تا تکثر در تفسیر اتفاق بیافتد. متن با فرهنگ رابطه دارد ولی با دیرینه‌شناسی فرق دارد. پس تاویل‌ها فرق می‌کند (توجه به کلیات). روش تدریس باید باعث خودکاری شاگردان و آزادی اراده آنها شود. تا آنها افرادی باشند که متون را نقادانه بخوانند و معانی را کشف کنند. (مراجعه به زبان تفکر) روش تدریس باید شاگردان را به فعالیت اکتشافی به منظور درک معنا وادار کند (زارعی، ۱۳۸۹، ص. ۸۷). روش تدریس باید به صورت شفاهی باشد تا دانش‌آموزان به قدرت گفتمان دست یابند. روش تدریس باید حامی آزادی افکار باشد و شاگرد پی‌ببرد که همه چیز صد در صد درست یا غلط نیست و هر چیز نمی‌تواند جواب قطعی برای مسائل باشد. یک مساله جواب‌های مختلف

1 - Foucault  
2 - Friere- paulo  
3 - A.Gramsci

دارد و برای رسیدن به این منظور باید از روش بحث گروهی و دیالکتیکی و پرسش و پاسخ استفاده شود (زارعی، ۱۳۸۹، ص. ۱۰۵). مدرسه بازتولید کننده اجتماعی و فرهنگی است و دربردارنده آن چیزی است که بوردیا آن را سرمایه فرهنگی می‌خواند. در نظریه مقاومت تاکید می‌کند معلم به جای رابطه مصلحت‌گرایانه با دانش‌آموزان رابطه انتقادی داشته باشد (شارع پور، ۱۳۹۴، ص. ۱۸۷).

### دیدگاه تربیتی فوکو درباره محتوای آموزشی

از روش‌های مورد توصیه فوکو گفتمان است. او شکل‌بندی دانایی (اپیستمه) را وقتی که تبلور زبانی پیدا می‌کند و با قدرت عجبین می‌شود گفتمان می‌نامد. فوکو طبقه‌بندی متعارف ما را از دریافت، شناخت به هم می‌زند و بر معرفت و اندیشیدن تاکید دارد بلکه تاکید او بر شرایطی است که معرفت و اندیشه به واسطه آن ایجاد می‌شود. یعنی بر گفتمان تاکید دارد. پس محتوی باید شامل علوم انسانی می‌باشد. در محتوای کتاب‌های درسی از جامعه‌شناسی استفاده شود که منفعت‌همگانی دارد. فوکو می‌گوید اگر زیست‌شناسی علم جدیدی است پس می‌توان نوعی ایده زندگی باشد (مراجعه به ساختار‌گرایی). فوکو زبان را پایه‌گذار واقعیت می‌داند و فرد تحت نظام دانش‌های مختلف قرار می‌گیرد. از طریق آموزش و نظم دادن به محیط زندگی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل می‌توان از زیست-قدرت یا زیست‌شناسی صحبت کرد که می‌خواهد بر بدن اعمال شود و آن را در نظم مورد نظر خود سازمان دهد (مراجعه به انسان‌شناسی در اندیشه فوکو). فوکو از متون به عنوان سرنخ‌های برای یافتن کردارهای اجتماعی استفاده می‌کند. یعنی چیزهایی که به نظر ما بدیهی‌ترین چیز هستند مهم می‌باشند (مراجعه به تاریخ). محتوا و روش‌ها باید شامل زبان و زبان‌شناسی و تائویل و تفسیر زبان باشد. محتوی کتاب‌ها باید از تصاویر و نقاشی برای درک بهتر مطالب کمک گرفت. پس یکی از محتوی‌ها کتاب‌های درسی باید تائویل و تفسیر زبان باشد. موسیقی معاصر عنصرهایش را به یک رویداد منحصر به فرد بدل کند و برای من آن جمله‌ای موسیقایی است که نتوانم آن را بفهمم. به همین دلیل تابلوهای نقاشی کامل نیستند (فوکو، ۱۹۷۳). پس یکی دیگر از محتواها باید موسیقی باشد. آن هم موسیقی معاصر نه کلاسیک پس محتوی کتاب‌ها باید تجدد‌گرایی و به‌روز بودن را مد نظر قرار دهند. به عبارتی دیگر محتوا باید شامل مسائل روزمره و امور زندگی باشد. پس محتوی باید شامل دانش‌هایی باشد که از طریق آن گروه‌های مختلف صاحب قدرت شوند. باید شامل (علوم انسانی - علوم اجتماعی - علوم اقتصادی - روانشناسی - روانشناسی - روان‌پزشکی - تربیت بدنی و دروسی چون زبان-زبان‌شناسی ادبیات - ریاضی - ورزش - نقاشی) باشد و محتوی باید شامل نیازها و مشکلات افراد باشد (زارعی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۵). محتوی برنامه‌درسی به بافت و شرایط کلی حیات انسان متکی است. یعنی محتوی برنامه درسی باید به‌گونه‌ای باشد که افراد را در فرایند "شدن" قرار دهد. یعنی به دنبال تربیت تحولی باشد که معلم و شاگرد را به یک سفر اکتشافی و امیدواری به کشف مسایل هدایت کند. و برنامه درسی پست مدرن به منظور لحاظ کردن وحدت دوباره معلم با یادگیرنده و متن با خواننده باید گفتگویی، مذاکره‌ای و تعاملی باشد.

### بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که به‌خوبی واقفیم یکی از مهم‌ترین مزایای آشنایی با تعلیم و تربیت پست مدرن ایجاد امکان نگرش انتقادی به پیامدهای آموزش و پرورش مدرن و تغییراتی که مدارس امروز ما به آن نیازمندند، می‌باشد. در این مقاله به معرفی اندیشه‌های تربیتی میشل فوکو با تاکید بر ابعاد هدف، روش و محتوا پرداخته شد. در بخش نخست به معرفی و آثار فوکو به‌طور اجمالی پرداخته شد. و در بخش تحلیل اندیشه‌های تربیتی فوکو به دلالت‌های ضمنی با هدف پاسخ به سه سوال در بعد هدف، روش و محتوا پرداخته شد. یافته‌ها در پاسخ به سوال اول حاکی از آن است که هدف آموزش و پرورش، خود آفرینی، تربیت انتقادی، گفتمان‌دانش، پرورش انسان مسئول و منعطف می‌باشد. که با نتایج پژوهش‌های (زارعی، ۱۳۸۹، فرم‌هینی پراهانی، ۱۳۸۳، کلانتر هرمزی، ۱۳۹۰). همسو می‌باشد. در پاسخ به سوال دوم در بعد روش میشل فوکو معتقد به گفتمان است. تاکید او بیشتر بر شکل‌گیری نظام دانایی در چهارچوب قدرت در یک بستر زبانی خاص است. او طبقه‌بندی متعارف را از دریافت و شناخت بهم می‌زند. تاکید بر معرفت و اندیشه ندارد. بلکه تاکید بر شرایطی دارد که معرفت و اندیشه به واسطه آن ایجاد می‌شود. فوکو معتقد به روش تدریس شفاهی، فعال و پویا و تربیت دانش‌آموزان نقاد می‌باشد به‌طور خلاصه روش‌ها شامل دیرینه‌شناسی یا توجه به بعد تاریخی مفاهیم، روش تدریس انتقادی، پرسش و پاسخ، بحث گروهی، مشاهده، روش استقرایی، روش قیاسی، روش عقلانی و انتقادی و تدریس شفاهی با گفتمان گسترده قابل ذکر است. در پاسخ به سوال سوم محتوا باید با توجه به موقعیت‌ها مسایل روزمره زندگی و منطبق بر نیازها تهیه و فراهم شود. و باید به‌گونه‌ای باشد که افراد را در شرایط شدن قرار دهد باید شامل علوم انسانی، جامعه‌شناسی، زیست‌شناسی، روان‌شناسی، تائویل و تفسیر زبان، موسیقی معاصر، تربیت بدنی، ریاضی، نقاشی باشد.

## The Study and Analysis of Michel Foucault's Educational Thoughts emphasizing on purpose, method and ...

اما در زمینه پست مدرنیسم از موانع جدی در مبحث تحلیل آرا فیلسوفان پست مدرن یکی آن است که این دیدگاه‌ها نه تنها منسجم و همسو نیستند، بلکه در مواردی نیز همدیگر را نفی می‌کنند و همین امر مجموعه دیدگاه‌های فیلسوفان پست‌مدرن را نه قابل دفاع و نه قابل نقد می‌کند. بدون شک طرح دیدگاه‌های پست مدرن در زمینه تعلیم و تربیت منشاء تحولات فراوانی در تمام ابعاد آن بوده است. دیدگاه‌های پست مدرنیسم به منزله نفی امکان ارائه تشریحی عمومی از حقیقت، ارزش و واقعیت و به طور کلی شکاکیت در قبال فرا روایت‌ها موجب ایجاد تردیدهای زیادی در زمینه تعلیم و تربیت و به تبع آن مقوله هدف، روش و محتوای تربیت شده است. صرف نظر از پیچیدگی اندیشه‌های فلسفی میشل فوکو و ابعاد نامفهوم و کشف نشده آن دلایل متعددی وجود دارد که دشواری این تحلیل را مضاعف می‌کند. به عبارتی دیگر محدودیت‌های این پژوهش در سه مقوله مجزا قابل دسته بندی و تامل است. نخست آنکه در اندیشه پست مدرنیسم چون یک دیدگاه نظری مشخص نیست کوشش برای ارائه تصویری از واقعیت که تا حد ممکن، افراد بیشتری با آن توافق و قرابت فکری داشته باشند غیر ممکن است. و به عنوان امتیاز محسوب نمی‌شود. بنابراین آنچه در بحث و نتیجه گیری یافته‌های پژوهش در این نوشتار به آن اشاره شد، تفسیر و برداشت شخصی پژوهشگر است که بالقوه می‌تواند با برداشت‌های سایرین متفاوت باشد. محدودیت دوم پژوهش حاضر آن است که با وجود شرایط حاکم در مبانی نظری و چهارچوب فکری اندیشه فیلسوفان پست مدرن امکان بیان دقیق و قطعی این امر وجود ندارد که بگوییم نظریات میشل فوکو در تعلیم و تربیت صاحب نفوذ فراوان بوده و به شدت در آن اثرگذار بوده است. اما اگر به نحوی این تاثیر را بر نظام آموزش و پرورش بپذیریم صرفاً می‌توان به بیان غیر مستقیم بودن این تاثیرات اکتفا کرد. محدودیت و دشواری سوم این پژوهش ناظر بر خود فوکو است. او به دلیل آنکه از دادن دستور و قاعده مند کردن امور و تجویز خاصی همواره پرهیز می‌کرد، عملاً نمی‌تواند به پژوهشگران و متخصصان حوزه فلسفه تعلیم و تربیت کمک شایانی برای فهم، تفسیر و تحلیل دلالت‌های تربیتی اندیشه فلسفی اش نماید.

## منابع

- آهنجیان، محمدرضا (۱۳۸۲). *آموزش و پرورش در شرایط پست مدرن*. تهران: انتشارات طهوری.
- افشار، معصومه. (۱۳۷۹). *مقایسه آموزه‌های تربیت اخلاقی از منظر پست مدرنیسم و تربیت اخلاقی دینی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه فلسفه تعلیم و تربیت. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه تربیت مدرس.
- بهشتی، سعید (۱۳۸۴). *کتاب علوم تربیتی به قلم جمعی از مولفان در نکوداشت علی محمد کاردان*. تهران: انتشارات سمت.
- پاول، جیمز. *پست مدرنیسم*. ترجمه: حسینعلی نوزدی (۱۳۷۹). تهران: چاپ و نشر طنز.
- پالمر، جوی آ. *پنجاه اندیشمند نوین علوم تربیتی (از پیازه تا عصر حاضر)*. ترجمه: جمعی از مترجمان (۱۳۹۳). تهران: انتشارات سمت.
- حسینی، اسماعیل. (۱۳۸۷). *تبیین دیدگاه‌های انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی فوکو و نقد و دلالت‌های آن برای حدود و وظایف اختیارات کنشگران آموزش و پرورش رسمی (مدیر-معلم)*. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه فلسفه تعلیم و تربیت. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه تربیت مدرس.
- دریفوس، هیوبرت، رابینو، پل. *میشل فوکو*. ترجمه: حسین بشیریه (۱۳۷۶). تهران: نشر نی.
- دژگاهی، صغری، و ضیمران، محمد (۱۳۸۵). *بررسی اهداف آموزشی از دیدگاه میشل فوکو*. مجله اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۲(۱)، ۱۸۶-۱۶۹.
- دژگاهی، صغری. (۱۳۸۶). *کاربرد تحلیل گفتمان در مورد اهداف آموزشی نظام جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر مناسبات قدرت و دانش در اندیشه فوکو*. پایان نامه دکتری. گروه علوم تربیتی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه تربیت مدرس.
- روح الهی اوچاکی، حسین. (۱۳۹۲). *بررسی آرا فلسفی میشل فوکو و دلالت‌های تربیتی آن*. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه علوم اجتماعی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه مازندران.
- زارعی، حسین. (۱۳۸۹). *بررسی دیدگاه‌های تربیتی میشل فوکو*. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه علوم تربیتی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه بوعلی سینا همدان.
- شارع پور، محمود (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش پیشرفته*. چاپ سیزدهم. تهران: انتشارات سمت.
- عالی، مرضیه. (۱۳۹۲). *تبارشناسی انضباط در مدرسه مبتنی بر مناسبات قدرت دانش در دیدگاه فوکو*. پایان نامه دکتری. گروه فلسفه تعلیم و تربیت. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- علی آبادی، ابوالفضل. (۱۳۸۵). *تبیین نظریه اخلاق در فلسفه مدرن (کانت) و پست مدرن (فوکو) و نقد تطبیقی دلالت‌های آن برای تربیت اخلاقی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه فلسفه تعلیم و تربیت. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه تربیت مدرس.



فرمهبینی فراهانی، محسن. (۱۳۸۲). نقد و بررسی نگرش های تربیتی پست مدرنیسم با تاکید بر اندیشه های فوکو و دریدا. پایان نامه دکتری. گروه فلسفه تعلیم و تربیت. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه تهران.

فرمهبینی فراهانی، محسن (۱۳۸۳). پست مدرنیسم و تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات آبیژ.

قادری، مصطفی (۱۳۸۸). نظریه انتقادی تعلیم و تربیت؛ نقد برنامه درسی مدرنیته و سرمایه داری متاخر. تهران: موسسه انتشارات یادواره کتاب. کلانترهرمزی، آتوسا. (۱۳۹۰). سیر تکوینی مفهوم خود از دیدگاه حکمت متعالیه و دیدگاههای روانشناختی پست مدرن و شیوه تبیین آسیب شناسی روانی انسان مبتنی بر آن. پایان نامه دکتری. گروه مشاوره. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه علامه طباطبایی.

نادری، عزت الله و نراقی، مریم (۱۳۹۲). روش های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی. تهران: نشر ارسباران.

نوذری، حسینعلی (۱۳۸۹). پست مدرنیته و پست مدرنیسم. تهران: انتشارات نقش جهان.

Foucault, M. (1979). *The Birth of the clinic: An Archaeology of medical perception*. New York: Vintage book.

Foucault, M. (1984). *On the genealogy of ethics: an overview of work in progress in p*. Robinow (Ed). The Foucault reader.



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

